

## باسمه تعالی

قال الله تعالى: واذ احکم تم بین الناس ان تحکوا بالعدل

### دستور العمل نحوه رسیدگی در دادسرای دیوان محاسبات کشور

#### کلیات

**ماده (۱) -** هدف از تدوین و تصویب این دستور العمل ، تبیین چارچوب نظام مند رسیدگی ، ترتیبات ، ضوابط و موازین حقوقی است که برای؛ تحقیق، کشف و تعقیب هر نوع انحراف و ناهنجاری مالی و نحوه بررسی و رسیدگی به گزارشهای حسابرسی و اعلام تخلف و سایر موضوعات مالی، معاملاتی و محاسباتی و اتخاذ تصمیم نسبت به آنها حسب مورد در قالب صدور قرار مقتضی، دادخواست، درخواست تجدیدنظر و اعاده دادرسی از آراء صادره و نیز اجرای احکام ضروری است.

**ماده (۲) -** تعقیب هر موضوع و رویداد مالی بمنظور حفظ حقوق بیت المال و ایجاد نظم و انضباط مالی طبق قانون دیوان محاسبات کشور بر عهده دادستان است که بعنوان مدعی بیت المال، امر تحقیقات مقدماتی، تکمیل تحقیقات، کشف و تعقیب تخلف و متخلف، اظهارنظر و عندالاقضاء اعلام جرم و اقامه دعوا پیرامون رویدادهای مالی و نیز اجرای احکام صادره را بر عهده دارد. بخشی از این وظایف و اختیارات، قابل تفویض به معاونان دادستان و دادیاران است.

**تبصره ۱ :** معاون دادستان ، عهده دار وظایفی است که از سوی دادستان به وی تفویض می شود.

**تبصره ۲ :** دادیار؛ صاحب منصبی است که با لحاظ شرائط ، پست و سمت مربوط ، تحت مسئولیت و ریاست دادستان و به نمایندگی وی در صیانت از بیت المال با ارجاع امر، طبق قوانین و مقررات عهده دار انجام تحقیقات مقدماتی، کشف تخلف، تعقیب موضوع، رسیدگی و اظهارنظر و همچنین اجرای احکام صادره در جهت احقاق حقوق بیت المال می باشد.

**ماده (۳) -** روش رسیدگی و تعقیب رویداد مالی، انجام تحقیقات و اقامه دعوی در دادسرای دیوان محاسبات کشور، استیضاحی و مبتنی بر تحقیق و تفحص است.

**ماده (۴) -** رسیدگی دادسرا با حضور اشخاص مسئول رویداد مالی و استماع اظهارات آنان و یا از طریق لایحه دفاعیه صورت می پذیرد، لیکن عدم ارسال لایحه دفاعیه یا عدم حضور در این مرجع جهت ارائه توضیح، مانع ادامه رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود.

**ماده (۵) –** ارجاع امر تحقیق به دادیار، توسط دادستان یا مقام مجاز از طرف ایشان صورت می پذیرد که علاوه بر تجویز شروع به رسیدگی، متضمن اجازه تحصیل دلائل و سایر اقدامات بشرح وظایف مقرر در تبصره ۲ ماده ۲ این دستورالعمل است.

**ماده (۶) –** هرگونه اعلام و اظهار اشخاصی که خود مسئول یا ناظر رویداد مالی مربوط بوده‌اند و نیز گزارش حسابرسان و اعلام و اخبار مقامات رسمی، در صورتی می‌تواند مبنای شروع به رسیدگی از سوی دادیار واقع شود، که موضوع به وی ارجاع شده باشد.

**تبصره:** گزارشها و نامه های فاقد امضاء یا ارسالی از سوی اشخاص مجهول‌الهویه - که مربوط به موضوع پرونده تحت رسیدگی است - چنانچه همراه با قرائن کافی بر وقوع تخلف باشد. با نظر دادستان قابلیت رسیدگی خواهد داشت.

**ماده (۷) –** تعقیب رویداد مالی خلاف قانون که طبق مقررات شروع شده باشد، متوقف نمی‌شود، مگر با رسیدگی و اظهارنظر.

**تبصره:** در صورتی که قبلاً همان موضوع در دادسرا یا هیاتهای مستشاری و یا محکمه تجدیدنظر منجر به اظهارنظر یا رأی قطعی شده باشد وفق مقررات ماده ۴۶ این دستورالعمل اتخاذ تصمیم خواهد شد.

**ماده (۸) –** تعقیب اصل موضوع تخلف مستلزم بررسی و عندالاقضاء مطالبه ضرر و زیان‌های قابل تقویم ناشی از ارتکاب تخلف و منافع ممکن‌الوصولی است که بیت‌المال به سبب ارتکاب عمل متخلف از آن محروم شده است.

## **شروع به تحقیق**

**ماده (۹) –** تحقیق، فرآیندی است که برای رسیدگی و اظهارنظر مستدل و مستند، ارزش و اعتبار می‌یابد و طی آن نسبت به بررسی صحت و سقم موضوع و ارزیابی دلایل و مدارک مربوط اقدام می‌گردد.

**ماده (۱۰) –** تحقیقات مقدماتی بصورت مکتوب در پرونده درج می‌گردد. این تحقیقات متوقف بر رعایت قواعد و ترتیبات مربوط از قبیل سریع بودن تحقیقات، رعایت حقوق بیت‌المال و افراد و تأمین فرصت لازم برای دفاع و ارائه مدارک و مستندات آنان است.

**ماده (۱۱) –** در صورت ارجاع امر تحقیق، دادیار ذیربط بلافاصله و بدون تأخیر مبادرت به تحصیل دلائل و جمع آوری مدارک و شناسایی اسباب وقوع تخلف می‌نماید، و چنانچه به هر دلیل امکان تحقیق میسر نباشد دادیار مکلف است حداکثر ظرف مدت هفت روز از تاریخ ارجاع امر، مراتب را با ذکر علت به دادستان گزارش نماید.

**ماده (۱۲) -** شروع به تحقیق و اقدامات بعدی، صرفاً توسط دادیار مرجوع الیه و منحصرأ نسبت به موضوع ارجاعی صورت می‌پذیرد. دادیار مسئول رسیدگی مجاز نیست موضوع مورد رسیدگی یا اقدامات مرتبط با آن را بدون مجوز دادستان به دادیار دیگری احاله کرده یا علاوه بر آن موضوع، موارد دیگری را بدون اذن دادستان به رسیدگی ملحق نماید.

**تبصره:** چنانچه در حین رسیدگی به امر ارجاعی ضمن تحقیق پیرامون آن، تخلف دیگری کشف شود که از نظر موضوع، ارتباطی به مورد تحت رسیدگی نداشته باشد، مراتب بصورت کتبی به دادستان منعکس می‌گردد، تا نسبت به آن اتخاذ تصمیم شود.

**ماده (۱۳) -** چنانچه موضوع ارجاعی، نزد دادیار دیگری نیز مسبوق به رسیدگی بوده؛ ولیکن هنوز منجر به اعلام ختم تحقیقات و اخذ تصمیم شعبه دایاری ذیربط نشده باشد، مراتب باید به اطلاع دادستان رسیده تا اتخاذ تصمیم شود.

**ماده (۱۴) -** در رسیدگی به گزارش رویداد مالی یا پرونده امر، همواره اهمیت موضوع مدنظر بوده و اقدام جدی و موثری که مقتضی امر تحقیق و تکمیل پرونده است، متناسب با موضوع ارجاعی و با دقت و توجه به جوانب آن صورت می‌گیرد.

**ماده (۱۵) -** چنانچه انجام تحقیقات مقدماتی و تکمیلی مربوط و ایضاح کامل موضوع و اتقان در رسیدگی و رفع ابهام از اوراق و اسناد تحت بررسی و رسیدگی، مستلزم اخذ توضیح از حسابرس، دستگاه اجرائی یا مسئول ذیربط رویداد مالی باشد، دادیار مسئول رسیدگی به پرونده حداکثر ظرف دو ماه مبادرت به اخذ توضیح می‌نماید.

**تبصره:** در هر حال چنانچه تکمیل تحقیقات و رسیدگی به پرونده ظرف مدت ۶ ماه پایان نیابد، مراتب با ذکر دلیل به دادستان منعکس می‌شود.

**ماده (۱۶) -** تفهیم اتهام و اخذ توضیح، منوط به حصول اطمینان از وجود مدارک یا قرائن و شواهد کافی دال بر وقوع تخلف و قابلیت انتساب ارتکاب تخلف، به متهم است.

**ماده (۱۷) -** در رسیدگی به گزارشها و انجام تحقیقات مقدماتی راجع به موضوعات، مسئول رویداد مالی شخصاً مسئولیت پاسخگوئی دارد ولو آنکه وی برای دفاع از خود وکیل انتخاب و به شعبه دایاری معرفی نموده باشد. در هر حال تفهیم موارد اعلامی تخلف به وکیل بدون اینکه به شخص مسئول رویداد مالی تفهیم شده باشد، مجاز نخواهد بود.

**ماده (۱۸) -** چنانچه دادیار تحقیق با مسئول رویداد مالی مورد رسیدگی، قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه داشته و یا بین وی یا همسر یا فرزندان او با شخص مذکور سابقه دعوای حقوقی یا جزائی مطرح بوده باشد، از رسیدگی امتناع و با صدور قرار مقتضی مراتب را به دادستان منعکس می‌نماید.

**ماده (۱۹) -** در مواردی که رسیدگی، مستلزم انجام معاینات یا تحقیقات محلی باشد، پس از موافقت دادستان، با حضور در محل انجام می‌پذیرد.

**ماده (۲۰) -** موضوع تخلف باید با ذکر دلایل، و بصورت کتبی به شخص مسئول رویداد مالی تفهیم و برای دفاع از آن، مهلت مناسبی به وی داده شود. خودداری یا انصراف وی از دفاع یا ارائه پاسخ، مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم شعبه دادرسی نخواهد بود.

**ماده (۲۱) -** در تحصیل مدارک، توجه به ارتباط آن با موضوع تخلف ضروری بوده و مطالبه مدارک غیر مرتبط به موضوع مجاز نیست. در مورد سایر اوراق، نوشته‌ها و مدارک متعلق به مسئولان ذیربط رویداد مالی باید مراقبت لازم صورت گیرد تا موجب افشای مضمون و محتوای آنها نشود.

**تبصره ۱:** اوراق، نوشته‌ها، اسناد و مدارک به دست آمده مرتبط با موضوع رسیدگی باید شماره گذاری و در پرونده مربوط حفظ شود.

**تبصره ۲:** افشاء اطلاعات پرونده و کسب اطلاع اشخاص حقیقی و حقوقی از محتویات آن جز به دستور صریح دادستان یا شخص مجاز از طرف وی ممنوع است. این امر انصرافی به تفهیم موضوع گزارش مورد رسیدگی و اعلام دلایل تخلف به شخص مسئول رویداد مالی برای اطلاع خود وی از مستندات، مدارک و دلایل انتساب آن ندارد.

### **کیفیت انجام تحقیق**

**ماده (۲۲) -** دادرسیار مسئول رسیدگی به پرونده نسبت به تکمیل تحقیقات و اخذ دلایل و مدارک کافی برای موضوع، مبادرت نموده و هر اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد با سرعت و دقت کافی، انجام می‌دهد.

**ماده (۲۳) -** چنانچه بررسی فنی اسناد مالی در محل ضرورت داشته باشد؛ دادرسیار مسئول رسیدگی رأساً و یا با اعلام مراتب به حسابرس یا مدیرکل ذیربط مبنی بر بررسی فوری و اعلام نتیجه، مبادرت می‌نماید. در صورت اخیر لازم است، خواسته دادرسیار دقیق، شفاف و مشخص باشد. چنانچه حسابرس یا مدیرکل ذیربط در تأمین نظر دادرسیار در موعد مقرر اقدام ننماید، مراتب به دادستان گزارش می‌شود.

**ماده (۲۴) -** هرگاه تحقیقات انجام شده توسط دادرسیار کافی نباشد یا دادستان پرونده را از جهت یا جهاتی مستلزم تکمیل تحقیقات بداند، دادرسیار ذیربط مکلف است در وقت مقرر، انجام و نتیجه را بصورت مستند و مستدل همراه با اظهارنظر خود منعکس نماید.

**ماده (۲۵) -** چنانچه مسئول رویداد مالی، نسبت به صحت گزارش یا اصالت اسناد ضمیمه آن، ایرادی اعم از تردید یا

انکار یا ادعای جعل نماید، تحقیقات متناسب انجام و عندالاقضاء برای اخذ توضیح مجدد، شخص مسئول رویداد مالی، دعوت یا موضوع به وی منعکس می‌گردد.

**ماده (۲۶)** - در صورت سکوت مسئول رویداد مالی یا وجود تردید در اظهارات و مدارک ابرازی وی یا تعارض ادله، تحقیق به نحو مقتضی ادامه یافته و با رسیدگی به تمام جوانب موضوع، پس از رفع تردید و حصول اطمینان از نتیجه تحقیق، اتخاذ تصمیم می‌شود.

**ماده (۲۷)** - تحقیقات مقدماتی باید با استفاده از شیوه‌های علمی و روشهای قانونی انجام و از دو عنصر سرعت و دقت برخوردار باشد و تمام موضوعات مطروحه و جوانب آنها را ولو متضمن نکات جزئی یا محتمل باشد، در برگیرد.

**ماده (۲۸)** - تحقیقات دادیار باید در نهایت بیطرفی و با هدف کشف واقع صورت پذیرد و متضمن رعایت حقوق بیت المال و اشخاص ذیربط در موضوع باشد.

**ماده (۲۹)** - هر سند و مدرکی که ضمیمه گزارش تحت رسیدگی است و همچنین اسنادی که از سوی مسئول رویداد مالی در مقام دفاع ابراز می‌شود، باید مورد ملاحظه و بررسی قرار گرفته و نسبت به تأثیر یا عدم تأثیر مدارک مذکور در موضوع تخلف یا ارتباط آن با مسئول معرفی شده در گزارش، اظهارنظر شود. بی‌توجهی به مدارک ابرازی یا دفاعیات خواننده یا خواندگان تخلف از مقررات محسوب می‌شود.

**ماده (۳۰)** - گزارشهای متعدد رویدادهای مالی مختلف که مربوط به مسئول مشخص و دستگاه اجرایی در سال مالی واحدی است، توأمأ و یکجا مورد بررسی و تحقیق واقع می‌شود. لیکن اگر بررسی تمام آنها موجب تعویق جریان رسیدگی باشد، شعبه دایاری در مواردی که مهیا برای صدور دادخواست باشد، اتخاذ تصمیم می‌نماید. در هر صورت؛ تکمیل تحقیقات و اتخاذ تصمیم نسبت به موارد باقیمانده، باید ظرف مهلت مناسب انجام پذیرد. چنانچه بعد از رسیدگی به موارد باقیمانده، تصمیم شعبه دایاری دائر بر صدور دادخواست دیگری باشد، مبادرت به صدور دادخواست پیروی می‌گردد.

**ماده (۳۱)** - چنانچه مسئولان رویداد مالی پرونده، متعدد باشند، عدم دسترسی به هر یک یا تمام آنان مانع از انجام تحقیقات و اظهارنظر نسبت به موضوع تحت رسیدگی نیست. دادیار در هر حال مکلف است با دلائل کافی نسبت به موضوع اظهارنظر کرده و اتخاذ تصمیم نماید.

## ارجاع امر به کارشناس

**ماده (۳۲)** - چنانچه رسیدگی به موضوعی منوط به کسب نظر کارشناسی باشد، مراتب با ذکر دلایل متقن، به دادستان منعکس و پس از موافقت وی و حصول اطمینان از تامین اعتبار لازم برای پرداخت حق الزحمه کارشناسی، ضمن صدور قرار مقتضی، از اهل خبره یا کارشناس و یا هر شخص متخصص مرتبط با موضوع دعوت بعمل آورده و با طرح سئوالات دقیق، شفاف، مشخص و مکتوب و درج آن در صورتجلسه، مبادرت به اخذ نظر می‌شود.

- **تبصره ۱:** پس از وصول نظریه کارشناس، یک نسخه از آن برای مسئول رویداد مالی پرونده ارسال می‌شود.

- **تبصره ۲:** مسئول رویداد مالی یا محکوم‌علیه در صورت اعتراض به نظریه کارشناسی، می‌تواند ظرف مهلت یک‌هفته از تاریخ ابلاغ نظریه کارشناس، با هزینه خود از دادیار ذیربط تقاضای تحصیل نظر کارشناسی نماید. در این صورت و عندالافتضاء کارشناس یا هیات کارشناسی برای اظهارنظر تعیین می‌گردد.

- **تبصره ۳:** در صورتیکه صدور قرار ارجاع امر به کارشناس بدواً به درخواست مسئول رویداد مالی یا محکوم‌علیه باشد، هزینه آن برعهده متقاضی است و به حساب قانونی مربوط واریز می‌گردد تا متعاقباً نسبت به تادیه حق الزحمه کارشناس اقدام شود.

## استفاده از وکیل

**ماده (۳۳)** - هر شخص مسئول رویداد مالی می‌تواند در دفاع از عملکرد خود از وکیل دادگستری استفاده نماید، وکیل انتخابی به مسئولیت صریح و کتبی متهم پرونده تحت رسیدگی، بدون مداخله در امر تحقیق و پس از خاتمه تحقیقات، می‌تواند مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از موکل خود یا اجرای قوانین و مقررات، لازم بداند به دادیار اعلام نماید، اظهارات وی طی صورتجلسی در اوراق پرونده درج می‌شود.

**تبصره:** ابلاغیه‌ها علاوه بر متهم پرونده برای وکیل وی نیز ارسال می‌گردد.

**ماده (۳۴)** - در صورتیکه مسئول رویداد مالی یا وکیل قانونی وی درخواست اخذ رونوشت برخی از اسناد و مدارک موجود نزد شعبه دایاری مرتبط با اتهام خود را نمایند، با رعایت مقررات مربوط به طبقه‌بندی اسناد، اقدام خواهد شد.

**ماده (۳۵)** - آخرین دفاع مسئول رویداد مالی جنبه تکمیلی دارد و دادیار مکلف به اخذ و لحاظ آن در رسیدگی مربوط است.

## ختم تحقیقات

**ماده (۳۶) -** رسیدگی و اتخاذ تصمیم شعبه دادرسی، منوط به احراز اصالت و صحت گزارش، اعلام وقوع تخلف و کفایت مستندات آن، انجام تحقیقات لازم، اخذ توضیح از مسئول رویداد مالی گزارش شده، بررسی اسناد و مدارک و دفاعیات مسئول مذکور و هرگونه دلیل و مدرک منضم به گزارش موضوع تخلف یا لوایح دفاعیه مسئول رویداد مالی است.

**ماده (۳۷) -** دادیار مسئول رسیدگی به پرونده، پس از انجام کامل بررسیها، تحصیل دلائل کافی و اخذ دفاعیات اشخاص مسئول با اعلام ختم تحقیقات، نظر خود را در قالب تصمیم شعبه دادرسی بصورت مستدل و مستند نسبت به رویداد مالی، اعلام می‌نماید. این تصمیم، باید حاوی مشخصات شعبه رسیدگی کننده، مشخصات مسئول رویداد مالی، دلایل و مستندات اظهارنظر و ماهیت تصمیم و بطور مشخص تجزیه و تحلیل گزارش، رد یا قبول مستدل مدلول دفاعیات مسئول رویداد مالی، تحلیل حقوقی و مالی - محاسباتی قضیه در انطباق با مستندات قانونی و در نهایت تدلیل و توجیه نتیجه‌گیری شعبه مربوط باشد.

**تبصره ۱:** تصمیم شعبه دادرسی باید مستند به مواد قانونی، اصول و موازین حقوقی، مالی و محاسباتی و مدارکی باشد که براساس آن اتخاذ شده است. در صورتی که این تصمیم با مسئولیت و امضاء دادیار اتخاذ شده باشد، با تأیید رئیس شعبه معتبر خواهد بود.

**تبصره ۲:** در صورتیکه دادیار و رئیس شعبه در اتخاذ تصمیم و اظهارنظر نهایی به پرونده اختلاف نظر داشته باشند، مراتب بصورت مستند و مستدل ضمن تصمیم شعبه دادرسی، جهت اتخاذ تصمیم به دادستان منعکس می‌شود.

## اظهار نظر نهایی

**ماده (۳۸) -** چنانچه تصمیم شعبه دادرسی از حیث تحقیقات، کامل و مستند به مدارک بوده و بنحو مستدل اتخاذ و انشاء شده باشد، با تأیید دادستان در همان موضوع، معتبر و واجد اثر شناخته خواهد شد.

**ماده (۳۹) -** اظهارنظر نهایی؛ دستوری است که دادستان نسبت به تصمیم شعبه دادرسی مبنی بر موافقت با قرار نهایی صادره و یا صدور دادخواست علیه متهم صادر می‌نماید.

**تبصره:** چنانچه اظهارنظر نهایی و اتخاذ تصمیم مستلزم انجام تحقیق بیشتر، تحصیل دلیل برای برخی وقایع، تبیین علت رد یا قبول ایرادات یا دفاعیات مسئول رویداد مالی مطروحه در گزارش و یا سایر موارد ضروری برای اتقان در رسیدگی باشد، دادیار مسئول رسیدگی به پرونده وفق نظر دادستان و بصورت خارج از نوبت انجام و نتیجه را به همراه

اظهارنظر خود تسلیم دادستان می‌نماید.

**ماده (۴۰) -** قبل از اتمام رسیدگی و اتخاذ تصمیم و اخذ نظر دادستان، هرگونه اطلاع رسانی یا اظهارنظر در خصوص نتیجه رسیدگیهای معموله، اعم از صدور دادخواست یا قراردادهای نهائی از سوی رئیس و دادیار رسیدگی کننده به پرونده و نیز سایر کارکنان شعبه دادرسی ممنوع است.

**تبصره:** تسلیم رونوشت تصمیم شعبه دادرسی به اشخاص و یا انتشار مفاد آن صرفاً با اذن دادستان صورت می‌گیرد.

**ماده (۴۱) -** پس از تکمیل تحقیقات و احراز کفایت بررسیها نسبت به موضوع تحت رسیدگی، حسب مورد مبادرت به صدور دادخواست، قرار تعلیق تعقیب، قرار منع تعقیب، قرار موقوفی تعقیب و اخذ تصمیم به خروج موضوع از مدار رسیدگی می‌گردد.

**ماده (۴۲) -** در صورتی که موضوع گزارش حکایت از وقوع تخلف داشته و ادامه تعقیب و طرح موضوع در هیات مستشاری ضروری باشد و همچنین در کلیه مواردی که رویداد مالی متضمن ایراد خسارت قابل تقویم به بیت المال باشد؛ اقدام به تنظیم دادخواست می‌گردد.

**ماده (۴۳) -** در صورتی که موضوع گزارش حاکی از وقوع تخلفی باشد که اثر مالی داشته؛ لیکن متضمن ایراد خسارت به بیت المال نبوده و یا خسارات وارده جبران شده باشد و بنا به جهات مستدل و موجه؛ ادامه تعقیب و طرح موضوع در هیات مستشاری در جهت منویات قانونگذار و اهداف تعقیب نباشد؛ مبادرت به صدور قرار تعلیق تعقیب می‌شود.

**تبصره:** مدت تعلیق تعقیب به تناسب موضوع از یک سال تا سه سال خواهد بود.

**ماده (۴۴) -** چنانچه موضوع گزارش، اساساً متضمن وقوع تخلفی نبوده یا دلائل کافی بر وقوع تخلف وجود نداشته باشد، یا بدو حکایت از وقوع تخلف داشته، لیکن مرجع گزارش دهنده با ذکر دلائل توجیهی منضم به مستندات مربوط، موضوع را منتفی اعلام یا از اسناد موردنظر، رفع وخواهی نماید، (به شرط حصول اطمینان به موضوع و احراز آن) مبادرت به صدور قرار منع تعقیب می‌شود.

**ماده (۴۵) -** در صورتی که تخلف اعلامی اثر مالی نداشته و نتیجه‌ای بر تعقیب و پیگیری بیشتر پرونده مترتب نباشد مطابق ضوابط اقدام به اخذ تصمیم نسبت به خروج آن از مدار رسیدگی می‌شود و با نظر دادستان، به مسئول ذیربط رویداد مالی، در عدم تکرار تخلف و اهتمام جدی تر به رعایت قوانین و مقررات، تذکر داده خواهد شد.

**ماده (۴۶) -** چنانچه رسیدگی به پرونده با مواردی از جمله؛ فوت یا جنون شخص مسئول رویداد مالی گزارش، اعتبار امر مختومه و یا نسخ مجازات قانونی مواجه و ادامه تعقیب و طرح موضوع در هیات مستشاری موقعیت قانونی نداشته باشد؛ اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب می‌گردد.



**تبصره:** تعلیق یا موقوفی تعقیب نسبت به موضوع یا مصداقی از رویدادهای مالی یا عدم امکان تعقیب بعضی از متخلفین و یا برائت متهم نسبت به موردی از موارد تخلفات گزارش شده، مانع رسیدگی به تخلف اشخاص یا جهات دیگر گزارش از جمله ضرر و زیان وارده نخواهد بود.

**ماده (۴۷) -** چنانچه دادیار مسئول رسیدگی به پرونده پس از اخذ تصمیم نهایی و تأیید دادستان به اشتباه قانونی یا مغایر واقع بودن تصمیم خود پی ببرد، مکلف است مراتب را بصورت مکتوب و مستدل به دادستان منعکس نماید. در هر حال اتخاذ تصمیم نهایی با دادستان خواهد بود.

**ماده (۴۸) -** چنانچه رویداد مالی مورد رسیدگی؛ متضمن عنوان مجرمانه باشد، دادیار رسیدگی کننده مکلف است، ضمن انجام اقدامات لازم برای رسیدگی به موضوع از حیث کشف واقع و تقویم ضرر و زیان، مراتب را بصورت مستند و مستدل با ذکر مبانی قانونی احراز جرم، به دادستان منعکس نماید.

## **تأمین خواسته**

**ماده (۴۹) -** هرگاه در ضمن رسیدگی به رویداد مالی، محرز شود، بیت المال در معرض تضییع بوده یا جبران خسارت پس از طی فرآیند رسیدگی و صدور حکم، متعسر شده یا مقدور نباشد، دادیار مسئول رسیدگی مکلف است، بمنظور درخواست تأمین خواسته از اموال شخصی مسئول ذیربط رویداد مالی مورد رسیدگی، مراتب را بصورت مستند و مستدل جهت اتخاذ تصمیم، به دادستان منعکس نماید.

**ماده (۵۰) -** تصمیم به تأمین خواسته بمنظور صیانت از بیت المال و جلوگیری از تضییع حقوق دولت به درخواست دادسرا از سوی محکمه اتخاذ می شود و در فرض صدور قرار مربوط به نفع بیت المال، بقای اعتبار آن فرع بر تعقیب رویداد مالی است. در این صورت چنانچه به هر دلیل، موضوع در دادسرا با صدور قرار نهایی مختومه شود و یا از هیاتهای مستشاری یا محکمه رای قطعی بر برائت خوانده صادر شود، موجبی برای بقای تأمین خواسته وجود نداشته بلافاصله اقدام لازم برای رفع اثر از آن صورت می گیرد.

**ماده (۵۱) -** تأمین خواسته، چنانچه معطوف به عین معین نباشد و یا عین معین بوده لیکن توقیف آن ممکن نباشد، باید پس از محاسبه معادل ریالی یا ارزی مبلغ ضرر و زیان وارده به بیت المال، از اموال و دارائیهای مسئول مستقیم رویداد مالی تحت رسیدگی درخواست گردد.

## اقدامات پس از صدور دادخواست

**ماده (۵۲)** - پس از صدور دادخواست، هر یک از دادیاران که بعنوان نماینده دادستان جهت حضور در جلسه رسیدگی معرفی می‌شوند، موظفند در چارچوب دادخواست و با آگاهی کامل از مفاد آن دفاع نمایند.

**ماده (۵۳)** - چنانچه از سوی هیات مستشاری یا محکمه تجدیدنظر قرار تکمیل تحقیقات یا رفع نقص پرونده صادر شود، دادیار مربوط موظف است در اسرع وقت با نظر دادستان نسبت به اجرای دقیق مفاد قرار و تأمین نظر مرجع صدور آن اقدام و یا دلیل عدم امکان اجرا یا بدون نتیجه بودن آن را اعلام نماید.

**تبصره:** چنانچه مرجع رسیدگی با صدور رای به مجازات اداری متخلف، اتخاذ تصمیم نسبت به ضرر و زیان را منوط به تحقیقات بیشتر یا موکول به دادخواست مستقل نماید، دادیار مکلف است خارج از نوبت اقدام مقتضی بعمل آورد.

**ماده (۵۴)** - تقاضای تجدیدنظر و اعاده دادرسی و هرگونه اقدام متعاقب صدور دادخواست اعم از آنکه بعنوان دادخواست تکمیلی بوده و یا در جهت تأمین نظر هیاتهای مستشاری و محکمه تجدیدنظر و یا اجرای قرارهای صادره یا استرداد دادخواست و یا کاهش یا افزایش میزان خواسته یا تعداد خواندگان باشد، با موافقت دادستان صورت می‌گیرد.

## اقدامات پس از صدور رأی

**ماده (۵۵)** - پس از صدور رای از ناحیه هیات مستشاری یا محکمه تجدیدنظر، دادیار مسئول رسیدگی به پرونده نسبت به مفاد رأی صادره از لحاظ ماهوی و شکلی و انطباق با موازین قانونی و مفاد دادخواست اظهار نظر می‌کند.

**ماده (۵۶)** - اعتراض به رای صادره از هیات مستشاری یا محکمه تجدیدنظر حسب مورد به یکی از طرق مصرحه در قانون دیوان محاسبات کشور و در قالب تجدیدنظر خواهی یا درخواست اعاده رسیدگی صورت می‌پذیرد.

**ماده (۵۷)** - در صورتیکه رأی صادره مورد قبول دادسرا نباشد، طبق دستور دادستان و با لحاظ مهلت قانونی تجدیدنظر خواهی، مبادرت به تنظیم لایحه متقن، مستدل و مستند در اعتراض به رأی مذکور و ارسال آن می‌شود. تهیه لایحه اعتراضیه و ارسال آن با نظر دادستان و از سوی دادیار مسئول پرونده و در سریع‌ترین زمان ممکن صورت می‌گیرد.

**تبصره:** مهلت قانونی تجدیدنظر خواهی نسبت به رأی صادره وفق ماده‌ی ۲۸ قانون دیوان محاسبات کشور بیست (۲۰) روز از تاریخ ابلاغ آن است. رعایت این مهلت از سوی دادیار مسئول پرونده ضروری است.

**ماده (۵۸)** - نماینده دادستان - که نوعاً دادیار مسئول پرونده است و می‌تواند از بین دادیاران دیگر نیز انتخاب شود - در

جلسه رسیدگی به تقاضای تجدیدنظر و اعاده دادرسی حضور می‌یابد و با ملاحظه مستندات موجود در پرونده و مدلول لایحه اعتراضیه، از مفاد دادخواست و حقوق بیت‌المال دفاع می‌کند.

**ماده (۵۹)** - بعد از قطعیت رای صادره، در صورت وجود دلیل یا دلائل کافی و متقن بر مخدوش بودن رای موردنظر دادیار ذیربط موظف است با لحاظ یکی از جهات مذکور در ماده ۲۹ قانون دیوان محاسبات کشور موضوع را جهت درخواست اعاده دادرسی به دادستان اعلام نماید.

**ماده (۶۰)** - درخواست اعاده دادرسی مانع از اجرای رأی نبوده و آنرا متوقف نمی‌سازد؛ مگر با اخذ تأمین متناسب تا اظهارنظر نهائی مرجع رسیدگی.

**تبصره ۱:** نوع و مقدار تأمین (متناسب با مجازات اداری یا محکوم به) از سوی دادیار اجرای احکام دادسرا و با نظر دادستان تعیین می‌شود.

**تبصره ۲:** در صورتی که رأی یا تصمیم محکمه دلالت صریح بر قبول درخواست اعاده دادرسی داشته باشد، عملیات اجرای رأی قطعی متوقف، و عندالاقضاء از تأمین مأخوذه رفع اثر می‌شود.

**تبصره ۳:** به محض توقف اجرای رأی، باید مراتب توقف و لزوم رفع آثار و تبعات اجرای رأی قطعی بدوی نیز بطور ضمنی به دستگاه متبوع محکوم علیه ابلاغ شود.

**ماده (۶۱)** - چنانچه محکوم علیه درخواست تجدیدنظر یا تقاضای اعاده دادرسی خود را تسلیم دادسرا نماید، درخواست مذکور بلافاصله عیناً به محکمه تجدیدنظر ارسال می‌گردد.

**ماده (۶۲)** - رأی صادره، زمانی قطعی محسوب می‌شود که واجد یکی از خصوصیات زیر باشد:

**الف:** انقضای مهلت قانونی تجدیدنظرخواهی و عدم اعتراض محکوم علیه یا دادستان در مهلت مقرر.

**ب:** قبول رای صادره از سوی دادستان و محکوم علیه.

**ج:** صدور رای از سوی مرجع تجدیدنظر.

**د:** رای صادره غیابی با انقضای موعد مقرر در ماده ۲۸ قانون و اعلام قطعیت از سوی محکمه تجدیدنظر.

**ماده (۶۳)** - رأی صادره از هیاتهای مستشاری قابلیت اجراء نخواهد داشت مگر با انقضای مهلت قانونی تجدیدنظرخواهی یا قبول آن از سوی محکوم علیه بصورت مکتوب و با اسقاط حق تجدیدنظرخواهی.

**تبصره:** چنانچه پس از انقضای مهلت و قطعی و لازم الاجرا شدن رأی صادره، تقاضای تجدیدنظر شده باشد، بعلت فقد اثر قانونی، تأثیری بر روند اجرای رای مذکور نخواهد داشت.

**ماده (۶۴)** - شرط قابلیت اجرای رأی، علاوه بر قطعیت، ابلاغ واقعی آن است. آراء صادره وقتی به موقع اجرا گذارده

می‌شود که به محکوم علیه یا قائم مقام قانونی وی ابلاغ واقعی شود.

**تبصره:** هرگاه ابلاغ واقعی رأی میسور نبوده و یا رأی صادره غیابی باشد، با انقضای مهلت بیست (۲۰) روز از زمان ارسال ابلاغیه، دادیار اجرای احکام با نظر دادستان وفق تبصره ۲ ماده ۲۸ قانون دیوان محاسبات کشور مراتب را به محکمه تجدیدنظر منعکس و درخواست قطعیت آن را می‌نماید. پس از صدور رأی و اعلام قطعیت آن از سوی محکمه، رأی مذکور قابلیت اجرا خواهد داشت.

## اجرای احکام

**ماده (۶۵) –** کلیه آراء قطعی صادره پس از رویت دادستان و با دستور وی از طریق شعبه اجرای احکام به اجراء درمی‌آید.

**تبصره:** شعبه اجرای احکام با ثبت رأی صادره نسبت به ابلاغ (وفق ماده ۲۶ قانون) و اجراء آن اقدام می‌نماید.

**ماده (۶۶) –** اجرای رأی قطعی بلافاصله پس از ابلاغ آن صورت می‌پذیرد. عملیات اجرای رأی متوقف نمی‌شود مگر در مواردی که اجرای رأی با موانع قانونی همراه بوده یا دادستان مهلتی برای اجرا مقرر نموده و یا دستور توقف اجرای آن را صادر نماید.

**ماده (۶۷) –** چنانچه رأی صادره دارای ابهام بوده یا نیازمند اصلاح باشد، دادیار اجرای احکام موظف است، بمنظور اجرای صحیح آن، مورد ابهام یا موضع اصلاح را دقیقاً مشخص و پس از کسب نظر دادستان، مراتب را جهت رفع ابهام و اصلاح رأی به مرجع صدور آن منعکس نماید. رأی اصلاحی صادره و تصمیم متخذه مرجع رسیدگی، ملاک عمل خواهد بود.

**تبصره ۱:** چنانچه به تشخیص دادیار اجرای احکام، رأی صادره از حیث انطباق موضوع با قوانین و مقررات، رد دادخواست یا نقض رأی صادره قبلی، متضمن اشتباهی باشد که به اساس و ارکان رأی خلل وارد سازد، مراتب فوراً طی شرحی به دادستان منعکس می‌شود تا عندالاقضاء نسبت به اعاده دادرسی اقدام گردد.

**تبصره ۲:** هرگاه در استناد به مواد قانونی و میزان یا مدت مجازات و محاسبه ضرر و زیان، از سوی مرجع صدور حکم، اشتباهی رخ دهد، لیکن بنحوی نباشد که به اساس رأی لطمه ای وارد سازد، دادیار اجرای احکام با نظر دادستان مبادرت به درخواست اصلاح رأی از مرجع صدور آن می‌نماید.

**ماده (۶۸) –** هرگاه در موضوع واحد، تهافتی بین آراء صادره قطعی ملاحظه شود، دادیار اجرای احکام موظف است فوراً مراتب را بصورت مستدل و مستند برای اتخاذ تصمیم مقتضی و عنداللزوم بمنظور طرح در هیات عمومی و ایجاد

وحدت رویه، به دادستان منعکس نماید.

**ماده (۶۹) -** آراء قطعی پس از حصول اطمینان از ابلاغ واقعی آن به محکوم علیه، از سوی دادیار مجری حکم جهت اجرا برای بالاترین مقام اجرائی یا مقام مجاز مربوط در دستگاه متبوع محکوم علیه، ارسال می‌گردد.

**تبصره ۱ :** دادیار اجرای احکام موظف است، ضمن ارسال رونوشت رأی به دستگاه اجرائی و صدور دستور اجرا، نظارت کامل بر روند اجرای رای و اقدامات مجریان تا حصول نتیجه نهایی بعمل آورد.

**تبصره ۲ :** رونوشت رأی علاوه بردستگاه اجرائی برای اطلاع به وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز ارسال می‌گردد.

**ماده (۷۰) -** چنانچه رأی صادره صرفاً متضمن مجازات اداری باشد، مراتب در حکم کارگزینی محکوم علیه درج و بانضمام یک نسخه از حکم کارگزینی وی به شعبه اجرای احکام دادسرا ارسال می‌گردد. و در صورتی که متضمن جبران ضرر و زیان یا خسارت وارده به بیت المال باشد، دادیار اجرای احکام وفق دستور دادستان نسبت به اجرای آن اقدام می‌نماید.

**ماده (۷۱) -** ابلاغ رأی از سوی اجرای احکام صرفاً بمنظور اجرا و پس از حصول اطمینان از قطعیت آن صورت می‌پذیرد.

**تبصره ۱ :** ارسال رأی برای ابلاغ به دستگاه اجرائی یا ذینفع یا محکوم علیه از طریق اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرمرتبط با آنان ممنوع است، مگر در مواردیکه شخص محکوم علیه یا ذینفع با معرفی نامه کتبی، وکیل یا نماینده‌ای برای دریافت رأی تعیین و معرفی کرده باشد.

**تبصره ۲ :** ابلاغ مفاد آراء بصورت تلفنی یا ارسال آن از طریق نمابر مجاز نیست.

**ماده (۷۲) -** در صورتی که پس از ارسال رأی به دستگاه اجرائی، احراز شود محکوم علیه بهر دلیلی از دریافت نسخه مربوط و یا اعاده نسخه رویت و امضاء شده آن خودداری می‌نماید، گواهی بالاترین مقام اجرائی دستگاه یا مقام مجاز از طرف وی و همچنین مامور ابلاغ یا دفتر دیوان محاسبات کشور مبنی بر ابلاغ و رویت رأی از سوی محکوم علیه، برای شروع به عملیات اجرائی حکم صادره کفایت می‌کند.

**ماده (۷۳) -** چنانچه بعلت قطع رابطه استخدامی محکوم علیه با دولت، امکان اجرای رأی از سوی دستگاه اجرائی به هیچ طریق نباشد، راجع به مجازات اداری نسخه ای از رأی در پرونده کارگزینی یا خدمتی وی ضبط و نگهداری می‌شود؛ لیکن وصول مطالبات دولت ناشی از ضرر و زیان وارده منتسب به فعل یا ترک فعل محکوم علیه و بطور کلی محکوم به مربوط به خسارت عنوان شده در رأی صادره، مطابق مقررات صورت می‌پذیرد.

**ماده (۷۴) -** در مواردی که رأی صادره ناظر به جبران خسارت وارده به بیت المال باشد و دسترسی به محکوم علیه میسر نگردد، دادیار اجرای احکام با رجوع به مطالبات خدمتی وی؛ برداشت از محل تأمین مأخوذه و طی سایر طرق

قانونی ممکن در جهت اجرای رأی، مبادرت به استیفای حقوق بیت المال می نماید.

**ماده (۷۵) -** به منظور تأمین محکوم به و تسهیل وصول آن در راستای استیفای حقوق بیت المال، دادیار اجرای احکام حسب مورد دستور عدم تسویه حساب دستگاه اجرائی با محکوم علیه را تا ختم کامل اجرای رأی صادره به بالاترین مقام مسئول یا مقام مجاز از طرف وی و همچنین ذیحساب دستگاه مربوط صادر نموده و بنحو مقتضی از تمکین به دستور مذکور اطمینان حاصل می نماید.

**ماده (۷۶) -** در موارد ضروری و با موافقت دادستان، تودیع وثیقه یا تأمین مقتضی (موضوع تبصره ذیل ماده ۲۹ قانون) بمنظور توقف اجرای رأی صادره از سوی محکوم علیه یا هر شخص دیگری صورت می پذیرد. اخذ تأمین یا تودیع وثیقه از سوی دستگاه دولتی یا موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و از اموال دولت ممنوع است.

**تبصره ۱:** گواهی دستگاه اجرایی مبنی بر تضمین بدهی محکوم علیه یا تأیید ارائه تضمین از سوی وی فاقد اعتبار است.

**تبصره ۲:** تأمین مقتضی در مجازاتهای اداری، با تمهید لازم، کافی و مطمئن صرفاً با تأیید بالاترین مقام مسئول دستگاه اجرایی یا مقام مجاز از طرف وی بعمل می آید.

**ماده (۷۷) -** در مواردیکه محکوم علیه بنابه ضرورت قانونی مبادرت به تودیع وثیقه یا تضمین معتبر دیگری نموده باشد مادام که ضرر و زیان وارده (محکوم به) جبران نشده یا حکم قطعی لازم الاجراء نقض نگردد، از تأمین ایداعی یا تضمین و تعهد سپرده شده رفع اثر نخواهد شد و شعبه اجرای احکام دادسرا نیز عندالاقضاء وفق مقررات مجاز به استیفای محکوم به از این محل می باشد.

**تبصره:** در صورت نقض حکم قطعی و لزوم استرداد، چنانچه محکوم به؛ عین معین بوده و قابل استرداد باشد و همچنین در خصوص محکومیتهای مالی اجراء شده، محکوم به، با اذن دادستان به ذینفع مسترد می گردد.

**ماده (۷۸) -** در صورت فوت محکوم علیه به ترتیب زیر عمل می شود:

**الف:** هرگاه رأی صادره صرفاً متضمن مجازات اداری محکوم علیه باشد، اجرای رأی موقوف می گردد.

**ب:** در صورتیکه مسئولیت جبران ضرر و زیان وارده مستقیماً بر عهده محکوم علیه باشد و بهر دلیل دسترسی به ماترک محکوم علیه متوفی میسر نباشد، مراتب جهت اتخاذ تصمیم به دادستان منعکس می شود.

**ج:** در صورتی که محکومیت تضامنی باشد و سایر محکوم علیهم در قید حیات باشند، از بقیه محکومین استیفاء می گردد.

**ماده (۷۹) -** قرار تأمین ماخوذه تا اجرای کامل رأی، یا نقض حکم قطعی، بقوت خود باقی خواهد بود. لذا پس از رد درخواست اعاده دادرسی، در صورتی که محکوم علیه از اجرای رأی در موعد اعلامی از سوی شعبه اجرای احکام

استتکاف ورزد، ضرر و زیان موضوع رأی، از محل تأمین مأخوذه، استیفاء و زائد بر آن به ذینفع مسترد می شود.

**ماده (۸۰) -** چنانچه رأی صادره درباره محکوم علیهی به اجرا درآمده، لیکن در مرحله تجدیدنظر یا اعاده رسیدگی، حکم برائت دریافت نماید، عملیات اجرائی بلافاصله متوقف شده، با رفع اثر از قرار تأمین صادره، تأمین مأخوذه به ذینفع مسترد می شود.

**ماده (۸۱) -** چنانچه دو یا چند نفر در وقوع تخلفی مشارکت داشته یا موضوع، منتسب به آنها بوده و به مجازات واحدی محکوم شده باشند، لیکن احدی از آنان تجدیدنظر خواهی نموده و مرجع تجدیدنظر نیز بدلیل عدم احراز وقوع تخلف، وی را تبرئه نماید، دادیار اجرای احکام موظف است؛ در خصوص امکان یا عدم امکان تسری حکم برائت صادره به سایرین، طی شرحی مراتب رفع ابهام را از مرجع تجدیدنظر بخواهد.

**ماده (۸۲) -** در صورتی که رأی محکومیت صادره ناظر به یکی از مجازاتهای اداری منظور در تبصره (۱) ماده ۲۳ قانون دیوان محاسبات کشور بوده و محکوم علیه نیز از خدمت در دولت، منتزع گردیده باشد، رونوشت رأی صادره در پرونده کارگزینی وی در دستگاه دولتی متبوع، ثبت و ضبط می شود.

**ماده (۸۳) -** هرگاه موضوع محکومیت، استرداد یا تحویل عین یا مثل مال یا واریز وجه بحساب خزانه بوده و محکوم علیه مبادرت به اجرای رأی نموده باشد، ارائه مدارک و مستندات مربوط - که حسب مورد به تأیید رئیس یا ذیحساب دستگاه اجرائی متبوع و دیوان محاسبات استان یا حسابرس کل ذیربط و خزانه داری کل کشور می رسد - برای درج در پرونده اجرای احکام الزامی است.

**ماده (۸۴) -** در مواردی که به موجب رأی صادره، دستگاه اجرایی ملزم به واریز وجه به حساب خزانه شده، لیکن بنا به عللی استتکاف می ورزد، شعبه اجرای احکام با نظر دادستان و با رعایت ضوابط مربوط نسبت به برداشت محکوم به از حساب دستگاه ذیربط از طریق خزانه یا بانک محل تمرکز وجوه آن دستگاه و یا از محل سایر داراییهای مربوط اقدام می نماید.

**ماده (۸۵) -** در مواردی که بعثت عدم دستیابی به محکوم علیه، اجرای رأی میسر نگردد، شعبه اجرای احکام با شناسایی داراییهای وی و اخذ اطلاعات کامل سجلی و نشانی آخرین محل سکونت و محل اشتغال و سایر مشخصات وی، طبق ضوابط مربوط، با اذن دادستان مبادرت به اعمال اقدامات تامینی از قبیل ممنوع الخروج و ممنوع معامله کردن شخص، شناسایی شماره حساب بانکی و اموال منقول و غیرمنقول محکوم علیه می نماید، تا از طریق و محل آنها، حقوق بیت المال را استیفاء نماید.

**ماده (۸۶) -** وصول محکوم به و مطالبات دولت (موضوع احکام قطعی) بر طبق مقررات اجرای احکام مراجع قضائی و

حسب مفاد رای بنا به اقتضای موضوع، از جهت رد عین یا جبران مثل یا قیمت صورت می پذیرد.

**تبصره ۱:** چنانچه رأی صادره متضمن جبران خسارت وارده باشد، محکوم به، وفق مادتين ۹۷ و ۹۸ قانون اجرای احکام مدنی از محل دارائیهای محکوم علیه تأمین می شود. در صورتیکه اموال و دارائیهای محکوم علیه جهت استیفاء محکوم به، کافی نباشد، طی مکاتبه‌ای با مقام مسئول دستگاه اجرایی پرداخت کننده حقوق محکوم علیه، دستور کسر معادل محکوم به (ضرر و زیان وارده) از محل مطالبات و هر نوع دریافتی محکوم علیه و واریز آن بحساب مربوط نزد خزانه صادر و مدارک مؤید اجرای حکم، ضمیمه پرونده می‌گردد.

**تبصره ۲:** چنانچه تأمین معاش و زندگی محکوم علیه صرفاً از محل حقوق دریافتی وی باشد؛ وفق ماده ۹۶ قانون اجرای احکام مدنی اقدام مقتضی بعمل آمده و در صورتیکه محکوم علیه فوت کرده باشد، وصول محکوم به مطابق سایر مقررات اجرای احکام مدنی صورت می پذیرد.

**ماده (۸۷) -** در صورت استتکاف مسئولان دستگاه اجرایی از اجرای مجازات و محکومیت‌های موضوع احکام صادره، دادیار اجرای احکام مکلف است بلافاصله، مراتب را به همراه پیشنهاد لازم جهت اقدام مقتضی به دادستان منعکس نماید.

**ماده (۸۸) -** دادیار مجری حکم، مکلف است ابهامات مربوط به اجرای رای را با رعایت این دستورالعمل مرتفع نماید.

**ماده (۸۹) -** وظایف دادیاری در مواردیکه در این ضوابط پیش بینی نشده است، مطابق عمومات قوانین ومقررات و وفق دستورات دادستان صورت می پذیرد.

**ماده (۹۰) -** این دستورالعمل در ۹۰ ماده و ۳۶ تبصره در تاریخ ۸۹/۴/۳۰ به تصویب دادستان دیوان محاسبات کشور رسیده و از تاریخ تصویب برای حوزه داسرا لازم‌الاجراست. ۹۰/۱۶/۱۸